

مجموعه گفتارهای علمی اخلاقی

حضرت آیت الله یثربی دامت برکاته

به سوی معرفت

تفسیر آیات ولایت و امامت

**پیمان منافقان**

**با**

**کفار و یهودیان**

۱۰ بهمن ۱۳۸۶

۲۱ مهر ۱۴۲۹

تکثیر این جزوه

با رعایت محتوا، حفظ امانت در نقل و ذکر مأخذ مجاز است

« الحمد لله رب العالمين وصلى الله على سيدنا محمد وآله الطاهرين ولعنة الله على أعدائهم أجمعين » .

قال الله الحكيم في محكم كتابه :

﴿لِلْفُقَرَاءِ الْمُهَاجِرِينَ الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ وَأَمْوَالِهِمْ يَبْتَغُونَ  
فَضْلًا مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا وَيَنْصُرُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَئِكَ هُمُ  
الصَّادِقُونَ﴾<sup>(۱)</sup> .

این اموال برای فقیران مهاجری است که از خانه و کاشانه و اموال خود بیرون رانده شدند در حالی که فضل الهی و رضای او را می طلبند و خدا و رسولش را یاری می کنند و آنها راستگویانند .

### چکیده سخن؛

در جلسات گذشته، نظریه کلیت و فراگیری عدالت صحابه رسول الله ﷺ را بررسی نمودیم و آیات مورد استناد قائلین این رأی را بیان نموده و اشکالات مهم و قابل توجهی به این نظریه وارد کردیم و سپس به بررسی تک تک آیات مورد استناد پرداختیم .

از جمله آیاتی که اهل سنت، در اثبات ادعای خود فراوان به آن استناد

۱-سوره حشر، آیه ۸.

می‌کنند، آیه ۱۰۰ سوره توبه است.

﴿وَالسَّابِقُونَ الْأُولُونَ مِنَ الْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ وَالَّذِينَ اتَّبَعُوهُمْ بِإِحْسَانٍ  
رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ وَأَعَدَّ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ  
فِيهَا أَبَدًا ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ﴾<sup>(۱)</sup>.

پیشگامان نخستین از مهاجرین و انصار، و کسانی که به نیکی از آنها پیروی کردند، خداوند از آنها خشنود گشت و آنها نیز از او خشنود شدند و باغهایی از بهشت برای آنان فراهم ساخته، که نهرها از زیر درختانش جاری است، جاودانه در آن خواهند ماند و این است پیروزی بزرگ.

نظریه پردازان عدالت صحابه با استناد به آیه فوق می‌گویند که تمامی اصحاب و یاران رسول الله ﷺ اعم از مهاجرین و انصار عادل هستند و هیچ گونه کار ناشایستی از آنان سر نزده است؛ لذا هر گونه بدگویی و نقد آنان حرام و ممنوع است.

در مورد این آیه و حوادث پیرامون آن به تفصیل در جلسات گذشته سخن گفتیم و در انتها به این نتیجه رسیدیم که آیه فوق دلالتی بر ادعای اهل سنت ندارد و ادعای آنان را نه تنها اثبات نمی‌کند که ابطال نیز می‌کند. ما با استناد به همین آیه و آیات دیگر سوره توبه دریافتیم که تمامی اصحاب رسول الله ﷺ عادل نبودند و در میان آنان منافقان و کافرانی بودند که در پس پرده و نقاب ایمان، چهره کریه و زشت نفاق خود را پنهان کرده بودند.

۱- سوره توبه، آیه ۱۰۰.

## بررسی غزوة بنی نضیر؛

آیه دیگری که قائلین عدالت صحابه به آن استناد می‌نمایند و قصد دارند با تکیه بر آن مدّعی خود را اثبات کنند آیه ۸ سوره حشر<sup>(۱)</sup> می‌باشد که در ابتدای این گفتار تلاوت شد. برای بررسی صحت ادّعی اهل سنت در سوره حشر تأملی می‌نمایم. شأن نزول آیه را بیان کرده سپس استدلال اهل سنت را توضیح می‌دهیم و ادّله و مدّعی آنان را نقد می‌کنیم.

شأن نزول سوره حشر در مورد غزوة بنی نضیر می‌باشد.

در اطراف مدینه سه طایفه از یهودیان زندگی می‌کردند که عبارت بودند از:

۱ - بنی قریظه؛ ۲ - بنی نضیر؛ ۳ - بنی قینقاع. این عده از یهودیان به تورات اعتقادی راسخ داشتند و چون در آن خوانده بودند که در آخر الزمان پیامبری در جزیره العرب ظهور خواهد کرد و دین و آیین او جهانی خواهد شد، برای اینکه از اقوام و ملل دیگر در ایمان به رسول خاتم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ سبقت بگیرند از موطن و محلّ اصلی اقامت خود که فلسطین و شامات بود به جزیره العرب و اطراف مدینه مهاجرت کردند. اینان برای سکونت خود دژها و قلعه‌های مستحکمی ساخته بودند.

پس از اینکه پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در سال دهم بعثت به مدینه مهاجرت کردند، یهودیان مدینه با دیدن قدرت و اقتدار مسلمانان با پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ پیمان بستند که علیه مسلمانان هیچ اقدام عملی نکنند و در صورت نقض عهد، پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

---

۱ - سوره مبارکه حشر از سوره‌های مسبّحه می‌باشد؛ یعنی با تسبیح الهی آغاز شده است، این سوره‌ها معروف به مسبّحات ستّ (ششگانه) می‌باشند که عبارتند از: ۱ - حدید ۲ - حشر ۳ - صف ۴ - جمعه ۵ - تغابن ۶ - اعلی .

و مسلمانان حق خواهند داشت آنان را تنبیه و تبعید کنند و با آنان بجنگند و اموال آنان را ضبط و زنان آنان را به اسارت بگیرند.

در سال اول و دوم هجرت، یهودیان تسلیم محض بودند و در کنار مسلمانان با مسالمت زندگی می‌کردند. در همین سالها بود که جنگ بدر به وقوع پیوست. پس از این جنگ - که با پیروزی مسلمانان بر کفار قریش به پایان رسید - یهودیان به قدرت و شوکت مسلمانان پی بردند، و از اینکه در کنار قدرتی نو ظهور زندگی می‌کردند که روز به روز در حال قدرت و گسترش بود بیمناک و نگران شدند. چندی نگذشت که جنگ احد روی داد شکست مسلمانان در این جنگ و کاهش نسبی قدرت ایشان، به یهودیان اطراف مدینه این جرأت را داد که عهد خویش با رسول الله ﷺ را فراموش کنند و شروع به پیمان شکنی نمایند<sup>(۱)</sup>. آنان با کفار و مشرکین مکه علیه مسلمانان هم پیمان شدند و بنا را بر این گذاشتند که کفار از طریق جنگ و لشکر کشی با مسلمانان مبارزه کنند و یهودیان نیز از درون مدینه، مسلمانان را تضعیف و در میان صفوف آنان اختلال ایجاد کنند. از سوی دیگر رسول الله ﷺ که از توطئه و پیمان شکنی یهودیان با خبر شده بودند به دنبال فرصتی بودند که آنان را سرکوب نمایند.

۱- انسانهایی که اعتقادات سست دارند هنگامی که با قدرتی مواجه شوند مطیع و فرمانبردار هستند اما همین که وضعی در آن قدرت رخنه کند بنا را بر سرپیچی می‌گذارند. این رسم تاریخ است و انسانهای مادی و ظاهر بین که تنها علل ظاهری را می‌بینند چنین رفتاری دارند. اما انسانهایی که از اعتقاد راسخی برخوردار و دارای کمالات اخلاقی باشند، در نهایت ضعف نیز از اعتقاد و التزام خود دست بر نمی‌دارند و در سختیها و مشکلات استوارتر می‌گردند و حوادث تاریخی، قدرت و ضعف، پیروزی و شکست در ایمان آنان رخنه‌ای ایجاد نمی‌کند. یهودیان از این قاعده، مستثنی نبودند؛ هنگام قدرت، در کنار رسول الله ﷺ و مسلمانان بودند و هنگام ضعف مسلمانان بی‌درنگ با دشمنان پیمان بستند.

در همین ایام دو نفر از قبایل غیر مسلمان به اشتباه توسط مسلمانان کشته شدند. به دنبال این حادثه طایفه مقتولین از مسلمانان دیه و خون بها طلب کردند - اما مسلمانان که در آن روزگار در شرایط سخت اقتصادی بسر می‌بردند و در آمد و ثروتی نداشتند امکان پرداخت دیه را نداشتند، لذا رسول الله ﷺ این فرصت را معتنم شمردند و نزد قبیله بنی نضیر رفتند و از آنان کمک مالی طلب نمودند و به آنان فرمودند: ما را در پرداخت دیه مقتولین که توسط یکی از هم پیمانان شما به قتل رسیده‌اند یاری کنید.

یهودیان بنی نضیر نیز می‌خواستند در این فرصت پیامبر ﷺ را به داخل قلعه ببرند و ناجوانمردانه ایشان را به قتل برسانند اما پیامبر ﷺ با هوش و ذکاوتی که داشتند دعوت آنان را نپذیرفتند. حضرت بیرون از قلعه و در سایه دیوار آن نشستند و با آنان گفتگو کردند. یهودیان برای اینکه نقشه قتل رسول الله ﷺ را عملی کنند از این فرصت نیز استفاده کردند و شخصی را بالای بام قلعه فرستادند تا سنگی را بر سر مبارک رسول الله ﷺ بیافکند. پیامبر ﷺ که از طریق وحی از توطئه شوم آنان آگاه شده بودند بدون آنکه همراهان خود را آگاه نمایند به مدینه باز گشتند. پس از مدتی همراهان ایشان، به جستجوی رسول الله ﷺ پرداختند و چون خبری نیافتند به سوی مدینه حرکت کردند. در بین راه فردی که از مدینه باز می‌گشت به آنان گفت که رسول الله ﷺ به مدینه بازگشته‌اند و خبر توطئه شوم یهودیان را برای آنان بازگو نمود.

پس از این واقعه رسول الله ﷺ به «محمد ابن مسلمه» مأموریت دادند که به یهودیان بنی نضیر بگوید به خاطر این پیمان شکنی تا ده روز دیگر قلعه خود را ترک گویند و از مدینه خارج شوند. یهودیان شروع به تعلق و بهانه تراشی

کردند و سرانجام به وسیله «حیی ابن احطب» به رسول الله ﷺ پیام دادند که از مدینه بیرون نمی‌روند. ولی سرانجام تسلیم شدند و پذیرفتند که از مدینه بیرون بروند اما قبل از خروج دژها و خانه‌های خود را تخریب کردند تا مسلمانان نتوانند از آن استفاده و بهره بهرداری کنند<sup>(۱)</sup>.

### تأهلی در سورة حشر؛

پس از بیان شأن نزول سورة مبارکه حشر به ترجمه و تفسیر آیات این سوره می‌پردازیم.

بسم الله الرحمن الرحيم

﴿سَبِّحْ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ﴾<sup>(۲)</sup>.

آن چه در آسمانها و آن چه در زمین است برای خدا تسبیح می‌گویند و او عزیز و حکیم است.

﴿هُوَ الَّذِي أَخْرَجَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ مِنْ دِيَارِهِمْ لِأَوَّلِ الْحَشْرِ مَا ظَنَنْتُمْ أَنْ يَخْرُجُوا وَظَنُّوا أَنَّهُمْ مَانِعَتُهُمْ حُصُونُهُمْ مِنَ اللَّهِ فَأَتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ حَيْثُ لَمْ يَحْتَسِبُوا وَقَذَفَ فِي قُلُوبِهِمُ الرُّعْبَ يُخْرِبُونَ بُيُوتَهُمْ بِأَيْدِيهِمْ وَأَيْدِي الْمُؤْمِنِينَ فَاعْتَبِرُوا يَا أُولِي الْأَبْصَارِ﴾<sup>(۳)</sup>.

۱- در مورد غزوة بنی نضیر از منابع شیعه بنگرید به بحار الانوار، جلد ۲۰ صفحات ۱۷۳-۱۵۷، فروغ ابدیت، جلد ۲ صفحات ۹۷-۹۱. و از منابع اهل سنت بنگرید به البداية والنهاية، جلد ۴ صفحات ۹۲-۸۵، تاریخ اسلام ذهبی، جلد ۱ صفحات ۱۵۴-۱۴۸، السيرة النبوية، جلد ۳ صفحات ۲۱۳-۱۹۹.

۲- سورة حشر، آیه ۱.

۳- سورة حشر، آیه ۲.

او کسی است که کافران اهل کتاب را در نخستین برخورد با مسلمانان از خانه‌هایشان بیرون راند. گمان نمی‌کردید آنان خارج شوند، و خودشان نیز گمان می‌کردند که دژهای محکمشان آنها را از عذاب الهی مانع می‌شود، اما خداوند از آن جا که گمان نمی‌کردند به سراغشان آمد و در دل‌هایشان ترس و وحشت افکند، به گونه‌ای که خانه‌های خود را با دست خویش و با دست مؤمنان ویران می‌کردند، پس عبرت بگیرید ای صاحبان چشم.

به تصریح قرآن، پس از آنکه یهودیان پیمان شکستند، خداوند رعب و وحشت از مسلمانان را در دل‌های آنان قرارداد. آنان به استحکام دژهای خود خشنود بودند و می‌خواستند با همکاری دیگر یهودیان، کفار و منافقان در مدینه بمانند و علیه خواسته مسلمانان مقاومت کنند. پیامبر ﷺ برای اینکه آنان هر چه زودتر مدینه را ترک گویند و توطئه‌ای دیگر نچینند به سرعت سپاهی مجهز کردند و آنان را بین قلعه بنی نضیر و بنی قریظه مستقر کردند. یهودیان سرانجام با این شرط که محل سکونت خود را ویران کنند حاضر شدند که مدینه را ترک کنند.

﴿وَلَوْلَا أَنْ كَتَبَ اللَّهُ عَلَيْهِمُ الْجَلَاءَ لَعَذَّبَهُمْ فِي الدُّنْيَا وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ النَّارِ﴾<sup>(۱)</sup>.

و اگر نه این بود که خداوند ترک وطن را بر آنان مقرر داشته بود، آنها را در همین دنیا مجازات می‌کرد، و برای آنان در آخرت نیز عذاب آتش است.

﴿ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ شَاقُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَمَنْ يُشَاقِ اللَّهَ فَإِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ﴾<sup>(۲)</sup>.

۱- سوره حشر، آیه ۳.

۲- سوره حشر، آیه ۴.

این به خاطر آن است که آنها با خدا و رسولش دشمنی کردند و هر کس با خدا دشمنی کند باید بداند که خدا مجازات شدیدی دارد.

﴿مَا قَطَعْتُمْ مِنْ لِيْنَةٍ أَوْ نَزَعْتُمْ مِنْهَا قَائِمَةً عَلَىٰ أَصْوِلِهَا فَبِإِذْنِ اللَّهِ وَلِيْحَزِيِ الْفَاسِقِيْنَ﴾ (۱).

هر درخت با ارزش نخل را قطع کردید یا آن را به حال خود وا گذاشتید، همه به فرمان خدا بود و برای این بود که فاسقان را خوار و رسوا کند.

برای اینکه یهودیان و اداری شوند که هر چه زودتر از مدینه خارج شوند،

پیامبر ﷺ به مسلمانان دستور دادند که درختهای نخل یهودیان بنی نضیر را

قطع کنند. یهودیان پس از این دستور به پیامبر ﷺ اعتراض کردند که دستور

همیشگی شما به سپاهیان این بود که مزارع و درختان را از بین نبرند چرا در این

مورد به قطع درختان نخل، دستور دادید؟ طبق آیه فوق پیامبر ﷺ در پاسخ

آنان فرمودند: ما هر درختی را که قطع کنیم و یا نکنیم به دستور خداوند می‌باشد.

﴿وَمَا أَفَاءَ اللَّهِ عَلَىٰ رَسُولِهِ مِنْهُمْ فَمَا أَوْجَفْتُمْ عَلَيْهِ مِنْ خَيْلٍ وَلَا رِكَابٍ

وَلَكِنَّ اللَّهَ يُسَلِّطُ رُسُلَهُ عَلَىٰ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾ (۲).

و آن چه را خدا از آنان (یهود) به رسولش باز گردانده و بخشیده

چیزی است که شما برای به دست آوردن آن زحمتی نکشیدید نه

اسبی تاختید و نه شتری، ولی خداوند، رسولان خود را بر هر کس

بخواهد مسلط می‌سازد و خدا بر هر چیزی توانا است.

این آیه و آیه بعد، بیانگر یک حکم فقهی می‌باشد. بر اساس احکام

۱- سوره حشر، آیه ۵.

۲- سوره حشر، آیه ۶.

اسلام، غنائم جنگی، از آن مسلمانانی است که در جنگ شرکت کرده‌اند، و آنان تنها باید خمس (یک پنجم) غنیمت دریافتی خود را به رسول الله ﷺ بدهند. اما اگر بدون جنگ و خون ریزی غنائم و امکاناتی نصیب مسلمانان شود، همانند مزارع بنی نضیر، همه از آن پیامبر و امام معصوم ﷺ می‌باشد. این غنائم «فیء» نامیده می‌شود. فیء به معنای بازگشت چیزی به صاحب اصلی‌اش می‌باشد. این اموال از آن رسول الله ﷺ می‌باشد و مسلمانان در آن حقی ندارند؛ زیرا رسول الله ﷺ صاحب، مالک و ولی تمام موجودات هستند. خداوند متعال به مسلمانان می‌فرماید شما برای به دست آوردن این اموال هیچ زحمتی نکشیدید و اسبی نتاختید و با تدبیر رسول الله ﷺ و با رعب و وحشتی که یهودیان از پیامبر ﷺ داشتند این امکانات در اختیار شما قرار گرفت؛ لذا این اموال، از داراییهای خاص رسول الله ﷺ می‌باشد.

در آیات بعد، خداوند متعال چگونگی دخل و تصرف در این اموال را به رسول الله ﷺ ابلاغ می‌فرماید،

﴿ مَا أَقَاءَ اللَّهُ عَلَى رَسُولِهِ مِنْ أَهْلِ الْقُرَى فَلِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَى  
وَالْيَتَامَى وَالْمَسَاكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ كَيْ لَا يَكُونَ دُولَةً بَيْنَ الْأَغْنِيَاءِ مِنْكُمْ وَمَا  
آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ  
الْعِقَابِ ﴿۱﴾ .

آن چه را خداوند از اهل این آبادیها به رسولش بازگرداند از آن خدا و رسولش و خویشاوندان او و یتیمان و مستمندان و در راه ماندگان است تا این اموال عظیم در میان ثروتمندان شما دست به دست

نگردد، آن چه را رسول خدا برای شما آورده بگیرید و اجرا کنید و از آن چه که نهی کرده خود داری نمایند و از مخالفت خدا بپرهیزید که خداوند کیفرش شدید است.

﴿لِلْفُقَرَاءِ الْمُهَاجِرِينَ الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ وَأَمْوَالِهِمْ يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا وَيَنْصُرُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ﴾<sup>(۱)</sup>.

این اموال برای فقیران مهاجری است که از خانه و کاشانه و اموال خود بیرون رانده شدند در حالی که فضل الهی و رضای او را می طلبند و خدا و رسولش را یاری می کنند و آنها راستگویانند.

طبق آیات فوق پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ موظف شدند که اموال به دست آمده را در میان فقراء و بینوایان مهاجری که از مکه به مدینه آمده بودند، تقسیم کنند. به همین دلیل تمام مزارع قبیله بنی نضیر را در میان مهاجرین تقسیم کردند. رسول الله صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ پیش از این کار نظر خود را برای انصار و بزرگان آنها چون « سعد ابن عباده و سعد ابن معاذ » بیان نمودند و آنان نیز با خواسته و نیت رسول الله صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مخالفت نکردند. سرانجام پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ تمام مزارع و اموال قبیله بنی نضیر را در میان مهاجرین تقسیم کردند و تنها دو نفر از انصار به نامهای « سهل ابن حنیف و ابو دجانة » که بسیار تنگدست و فقیر بودند از اموال بنی نضیر سهمی دریافت کردند. آیه فوق از آیات مورد استناد نظریه پردازان عدالت صحابه می باشد؛ زیرا در این آیه خداوند متعال مهاجرین را راستگو و صادق معرفی نموده است.

﴿وَالَّذِينَ تَبَوَّؤُوا الدَّارَ وَالْإِيمَانَ مِنْ قَبْلِهِمْ يُحِبُّونَ مَنْ هَاجَرَ إِلَيْهِمْ وَلَا يَجِدُونَ فِي صُدُورِهِمْ حَاجَةً مِمَّا أُوتُوا وَيُؤْثِرُونَ عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ

۱-سوره حشر، آیه ۸.

حَصَاةٌ وَمَنْ يُوقَ شَحَّ نَفْسِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ ﴿١﴾.

و برای کسانی است که در این سرا (سرزمین مدینه) و در سرای ایمان پیش از مهاجران مسکن گزیدند و کسانی را که به سویشان هجرت کنند دوست می دارند، و در دل خود نیازی به آن چه به مهاجران داده شده احساس نمی کنند و آنها را بر خود مقدم می دادند هر چند خودشان بسیار نیازمند باشند، کسانی که از بخل و حرص نفس خویش باز داشته شده اند رستگارانند.

در این آیه خداوند سبحان انصار را مدح و ستایش کرده است؛ زیرا آنان از مهاجرین پذیرایی کردند و در خانه‌های خود به آنان جای دادند و از این که اموال بنی نضیر در میان آنان تقسیم شد ناراحت و دل‌تنگ نشدند و همیشه مهاجرین را بر خود مقدم می داشتند، لذا آنان (انصار) به خاطر دارا بودن این کمالات اخلاقی رستگار هستند در انتهای این آیه نیز به یک نکته اخلاقی اشاره شده است و آن ایثار و کنترل و مهار تمنیات و خواهشهای نفسانی می باشد. بنابر این آیه خداوند متعال می فرماید کسانی که دیگران را بر خود مقدم می دارند و دو رذیله اخلاقی بخل و حرص را در خود مهار و سرکوب کنند، رستگار خواهند شد.

این آیه نیز همانند آیه قبل مورد استناد قائلین عدالت صحابه می باشد؛ زیرا طبق نظر آنان، خداوند متعال در این آیه تمام انصار را مدح کرده و آنان را رستگار و سعادت‌مند معرفی نموده است.

﴿وَالَّذِينَ جَاءُوا مِنْ بَعْدِهِمْ يَقُولُونَ رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا وَلِإِخْوَانِنَا الَّذِينَ سَبَقُونَا بِالْإِيمَانِ وَلَا تَجْعَلْ فِي قُلُوبِنَا غِلًّا لِلَّذِينَ آمَنُوا رَبَّنَا إِنَّكَ رَؤُوفٌ رَحِيمٌ ﴿٢﴾.

۱- سوره حشر، آیه ۹.

۲- سوره حشر، آیه ۱۰.

همچنین کسانی که بعد از آنها (مهاجرین و انصار) آمدند و می‌گویند: پروردگارا! ما و برادرانمان را که در ایمان بر ما پیشی گرفتند، بیامرز و در دل‌هایمان حسد و کینه‌ای نسبت به مؤمنان قرار مده، پروردگارا! تو مهربان و رحیمی.

اهل سنت بر این نظراند که این آیه نیز در راستای آیات قبل می‌باشد، و وظیفه‌ای برای آیندگان مقرر می‌دارد و ما نباید کینه‌ای در دل نسبت به گذشتگان داشته باشیم و برای آنان طلب آمرزش و استغفار نماییم؛ زیرا خداوند متعال گروهی از آنان را (مهاجرین) راستگو و گروهی دیگر را (انصار) رستگار معرفی کرده است.

برخی از مفسرین اهل سنت نیز از سه آیه فوق عدالت تمامی صحابه را استنتاج کرده‌اند و می‌گویند بنابر آیات فوق ما حق نداریم نسبت به صحابه رسول الله ﷺ بدگویی کنیم و حتی حق نداریم کارهای نادرست و اشتباه آنان را بازگو نماییم؛ زیرا این سخنان موجب بر افروختن آتش کینه می‌گردد که به نص قرآن کریم حرام و ممنوع است و فقط باید برای صحابه رسول الله ﷺ دعا و طلب آمرزش کنیم.

### استدلال اهل سنت؛

اهل سنت در کتب خود ذیل آیه فوق، روایات مختلفی را نقل نموده‌اند که مضمون همه آنها یکی می‌باشد و حلقه نهایی سند روایت به افرادی چون سعد ابن وقاص پدر عمر سعد، عایشه و عبدالله ابن عمر فرزند عمر بن خطاب می‌رسد. به عنوان نمونه روایتی را که عبدالله ابن عمر نقل می‌کند، بیان می‌نماییم.

«إِنَّهُ سَمِعَ رَجُلًا وَهُوَ يَتَنَاوَلُ بَعْضَ الْمُهَاجِرِينَ فَقَرَأَ عَلَيْهِ لِفَقْرَاءِ الْمُهَاجِرِينَ الْآيَةَ ثُمَّ قَالَ هَؤُلَاءِ الْمُهَاجِرُونَ فَمَنْهُمْ أَنْتَ؟ قَالَ لَا؛

عبدالله ابن عمر شنید که مردی به مهاجرین ناسزا می‌گوید، وی آیه ۸ سوره حشر را بر او تلاوت کرد و به او گفت اینان مهاجران هستند آیا تو از آنانی؟ او در پاسخ گفت: نه.

ثم قرء عليه والذين تبوء الدار والایمان الآیة ثم قال هؤلاء الانصار أفأنت منهم؟ قال لا؛

سپس برای وی آیه ۹ سوره حشر را تلاوت کرد و به او گفت آنان انصار هستند آیا تو از آنانی؟ او گفت: نه.

ثم قراء عليه والذين جاؤا من بعدهم الآیة ثم قال أفمن هؤلاء أنت؟ قال أرجو، قال لا لیس من هؤلاء من یسبُّ هؤلاء»<sup>(۱)</sup>.

عبدالله ابن عمر سپس آیه ۱۰ سوره حشر را تلاوت کرد و به ناسزا گوینده گفت آیا تو از اینان هستی؟ او گفت: آرزو می‌کنم که از آنان باشم، عبدالله به او گفت: کسی که مهاجرین و انصار را ناسزا گوید، داخل این گروه (آیندگان) قرار نمی‌گیرد.

به طور خلاصه کیفیت استدلال اهل سنت بر عدالت صحابه با استناد به آیات فوق از این قرار است که خداوند متعال در این سوره مهاجرین را راستگو و انصار را راستگار معرفی کرده است و به کسانی که پس از آنها می‌آیند دستور داده است که کینه‌ای از گذشتگان در دل نداشته باشند و برای آنان طلب آمرزش نمایند؛ بنابر این صحابه رسول الله ﷺ عادل هستند و ما حق نداریم از آنان

۱- الدر المنثور، جلد ۶ صفحه ۱۹۸.

بدگویی کنیم و یا کار اشتباهی که از آنان سر زده است را بازگو نماییم.

### نقدی بر استدلال اهل سنت؛

اگر اندکی در آیات فوق تأمل کنیم، ضعف استدلال اهل سنت آشکار می‌گردد. طبق آیات فوق خداوند متعال پس از بیان یک حکم فقهی به پیامبر ﷺ دستور می‌دهد که اموال بنی‌نضیر را به مهاجرین بدهد. پرسش این است که آیا رسیدگی به فقرا دلالت بر عدالت آنان می‌کند؟ آیا پرداخت زکات به فقرا دلالت بر عدالت آنان می‌کند؟ هیچ‌یک از فقهاء شیعه و اهل سنت عدالت را از شرایط مستحقین زکات ندانسته‌اند و تنها بیان کرده‌اند که مستحق زکات نباید به گناه کردن تجاهر داشته باشد و علنی گناهی را انجام دهد. به فرض هم که در مستحق زکات احراز عدالت شرط شده باشد اما در مورد فیء و اموالی که از آن رسول الله ﷺ می‌باشد، هیچ‌کس قائل به احراز عدالت نشده است. اگر بخواهیم بر اساس آیات فوق عدالت فقرا را شرط بنماییم، گرفتار اشتباه فاحشی شده‌ایم که در علم اصول فقه به آن **تمسک به عام در شبهه مصداقیه** می‌گویند. آیات ۸ و ۹ سوره حشر به هیچ وجه دلالت بر عدالت مهاجرین و انصار ندارد؛ زیرا خداوند سبحان به پیامبر ﷺ دستور می‌دهد که اموال به دست آمده را به مهاجرین تنگدست بپردازد و انصار نیز این حکم الهی را می‌پذیرند. اما از این که مهاجرین مستحق دریافت فیء شده‌اند، عدالت آنان استنتاج نمی‌گردد. همچنین گردن نهادن انصار به این حکم الهی نیز دلالتی بر عدالت آنان ندارد. متأسفانه اهل سنت در آیات دیگر سوره حشر تأمل کافی نکرده‌اند. خداوند متعال در آیات بعد از کسانی نام می‌برد که در میان مسلمانان زندگی می‌کردند و به اصطلاح جزء صحابه به شمار می‌رفتند اما در باطن مسلمان نبودند

و با یهودیان و کفار علیه مسلمانان همکاری می‌کردند،

خداوند متعال در رابطه با آنان می‌فرماید:

﴿أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ نَافَقُوا يَقُولُونَ لِإِخْوَانِهِمُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَئِن أُخْرِجْتُمْ لَنَخْرُجَنَّ مَعَكُمْ وَلَا نَطِيعُ فِيكُمْ أَحَدًا أَبَدًا وَإِن قُوتِلْتُمْ لَنَنْصُرَنَّكُمْ وَاللَّهُ يَشْهَدُ إِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ﴾<sup>(۱)</sup>.

آیا منافقان را ندیدی که پیوسته به برادران کفارشان از اهل کتاب می‌گفتند: هرگاه شما را از وطن بیرون کنند، ما هم با شما بیرون خواهیم رفت و هرگز سخن هیچ کس را درباره شما اطاعت نخواهیم کرد و اگر با شما پیکار شود، یاریتان خواهیم نمود، خداوند شهادت می‌دهد که آنها دروغگویانند.

طبق این آیه، منافقان به یهودیان گفتند در صورتی که شما از دژهای خود بیرون بروید ما نیز مدینه را ترک می‌کنیم و پیامبر ﷺ را تنها می‌گذاریم و در صورت جنگ از شما حمایت می‌کنیم. پرسش این است که این منافقان چه کسانی بودند؟ آیا از صحابه هستند یا خیر؟ منافقان گروهی به سرکردگی «عبدالله ابن ابی» بودند که اظهار اسلام کرده و پیامبر ﷺ را درک کرده بودند. آیا این گروه از صحابه نیز عادل هستند و باید برای آنان طلب آموزش کنیم؟ در آیه دیگر خداوند به گونه‌ای بسیار زیبا عمق خباثت منافقان را بیان می‌کند، و می‌فرماید:

﴿لَئِن أُخْرِجُوا لَا يَخْرُجُونَ مَعَهُمْ وَلَئِن قُوتِلُوا لَا يَنْصُرُونَهُمْ وَلَئِن نَّصَرُوهُمْ لَيُولِيَنَّ الْأَدْبَارَ ثُمَّ لَا يَنْصُرُونَ﴾<sup>(۲)</sup>.

۱-سوره حشر، آیه ۱۱.

۲-سوره حشر، آیه ۱۲.

اگر آنها را بیرون کنند با آنان بیرون نمی روند و اگر با آنها پیکار شود، یاریشان نخواهند کرد، و اگر یاریشان کنند، پشت به میدان کرده فرار می کنند، سپس کسی آنان را یاری نمی کند.

به فرموده خداوند منافقان در گفتار و پیمان خود با یهودیان نیز صادق نیستند و آنان را نیز کمک و یاری نمی کنند.

قائلین عدالت همه صحابه باید به این پرسش اساسی پاسخ دهند که اگر گروهی از مسلمانان (مهاجرین) راستگو و صادق باشند و گروهی دیگر (انصار) رستگار باشند، جایگاه منافقان کجا قرار دارد؟ آیا منافق صادق و رستگار است؟ بنابر تصریح قرآن عده ای منافق در میان مسلمانان زندگی می کردند. آیا به حکم اینکه آنان از مهاجرین و یا از انصار هستند باید قائل به عدالت آنان شد؟!

« والسّلام علیکم ورحمة الله وبرکاته »

## خودآزمایی؛

- ① آیات ابتدایی سوره حشر در رابطه با چه واقعه‌ای نازل شد؟
- ② در اطراف مدینه چند گروه از یهودیان زندگی می‌کردند و علت مهاجرت آنان چه بود؟
- ③ یهودیان با پیامبر ﷺ چه عهد و پیمانی بستند؟
- ④ چه موقع و چرا یهودیان آغاز به پیمان شکنی کردند؟
- ⑤ چرا پیامبر ﷺ نزد قبیله بنی نضیر رفتند؟
- ⑥ توطئه‌های بنی نضیر علیه رسول الله ﷺ چه بود و چرا عملی نشد؟
- ⑦ یهودیان بنی نضیر با چه شرطی حاضر به ترک مدینه شدند؟
- ⑧ غنائم به دست آمده از غزوه بنی نضیر چه نام دارد و به چه کسانی تعلق گرفت؟
- ⑨ اهل سنت چگونه با استناد به آیات سوره حشر، عدالت صحابه را ثابت می‌کنند؟
- ⑩ استدلال اهل سنت را نقد کنید.

خداوند متعال پس از بیان یک حکم فقهی به پیامبر ﷺ دستور می‌دهد که اموال بنی‌نضیر را به مهاجرین بدهد. پرسش این است که آیا رسیدگی به فقرا دلالت بر عدالت آنان می‌کند؟ آیا پرداخت زکات به فقرا دلالت بر عدالت آنان می‌کند؟ هیچ یک از فقهاء شیعه و اهل سنت عدالت را از شرایط مستحقین زکات ندانسته‌اند و تنها بیان کرده‌اند که مستحق زکات نباید به گناه کردن تجاهر داشته باشد و علنی گناهی را انجام دهد. به فرض هم که در مستحق زکات احراز عدالت شرط شده باشد اما در مورد فیء و اموالی که از آن رسول الله ﷺ می‌باشد، هیچ کس قائل به احراز عدالت نشده است. اگر بخواهیم بر اساس آیات فوق عدالت فقرا را شرط بنماییم، گرفتار اشتباه فاحشی شده‌ایم که در علم اصول فقه به آن تمسک به عام در شبهه مصداقیه می‌گویند. (صفحه ۱۶ از همین جزوه)

[www.yasrebi.ir](http://www.yasrebi.ir)

پست الکترونیک: [info@yasrebi.ir](mailto:info@yasrebi.ir)

**محل برگزاری جلسات:**

کاشان: حسینیه مرحوم آیت الله یثربی رحمته الله علیه

تلفن: ۴۴۴۳۳۴۳ - ۴۴۴۵۲۷۷ نمابر: ۴۴۴۹۹۳۳

به سوی معرفت ۴۰

۲